رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۶، شماره پیاپی ۷۵، شهریور ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(6), 2022

بررسی تربیت جنسی در دختران دارای روابط قبل از ازدواج (جنسی، عاطفی و یا عاطفی-جنسی): یک مطالعه پدیدارشناسانه[1]

Investigating the sex education in girls with premarital relationships (Sexual, Emotianal, or Emotional-Sexual): A Phenomenological Theory Study

سارگل ابراهیمی
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
دکتر کیومرث فرحبخش (نویسنده مسئول)
دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
دکتر ابراهیم نعیمی
استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Sargol Ebrahimi
M.A. in Family Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Dr. Kiumars Farahbakhsh*
Associate Professor of Counseling Group, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
kiumars@yahoo.com
Dr. Ebrahim Naeimi
Assistant Professor of Counseling Group, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

چکیده
برقراری ارتباط با جنس مخالف بخش مهمی از زندگی انسان‌ها، به ویژه جوانان است؛ که عوامل متعددی از جمله تربیت جنسی، در میزان گرایش یا عدم گرایش به این‌گونه روابط تاثیرگذار هستند. هدف از این پژوهش، بررسی تربیت جنسی در دختران دارای روابط قبل از ازدواج بود. جامعه پژوهش دختران جوان ساکن در تهران بودند که تجربه روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف (اعم از جنسی، عاطفی و یا عاطفی-جنسی) را داشتند. نمونه‌ها شامل ۱۲ دانشجوی دختر در گروه سنی ۲۲-۲۸ و ساکن تهران در سال ۱۳۹۸-۱۴۰۰ و دارای چنین روابطی بودند و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. نتایج به شناسایی ۲ مقوله اصلی، ۷ مقوله فرعی و ۲۰ مفهوم اولیه منجر شد. دو مقوله اصلی عبارتند از: عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی و منابع اطلاعاتی اجتماعی- فرهنگی در رابطه با تربیت جنسی. پژوهش حاضر نشان داد عدم تربیت جنسی مناسب، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، افراد را به سمت برقراری رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج سوق می‌دهد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در مراکزی چون مهد کودک، مدارس و سرای محله‌ها جلساتی مبتنی بر ارائه تربیت جنسی به والدین و مربیان آموزشی صورت گیرد و شیوه‌های آموزشی مناسب و ارتقاء دهنده‌ای به آن‌ها اعمال گردد. همچنین، توصیه می‌شود به منظور جلوگیری از شیوع روزافزون روابط قبل از ازدواج، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها، مسئولین و برنامه‌ریزان فرهنگی از برنامه‌های پیشگیرانه در این راستا استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: *تربیت جنسی، دختران، روابط با جنس مخالف، روابط قبل از ازدواج، روش کیفی*

Abstract
Communicating with the opposite sex is an important part of human life, especially for young people; several factors, including sexual education, are influential in the degree of tendency or non-tendency to such relationships. The aim of this study was to investigate sexual education in girls with premarital relationships. The study population consisted of young girls who had experienced premarital sex with the opposite sex (whether sexual, emotional, or emotional-sexual). The samples included 12 female students in the age group of 22-28 and living in Tehran in 2019- 2021 and had such relationships and were selected by purposive sampling method. The research tool was a semi-structured interview. Colaizzi's method was used to analyze the data. The results identified 2 main categories, 7 subcategories, and 20 primary concepts. The two main categories are family performance and attitude in relation to sex education and sociocultural information resources related to sex education. The present study showed that the lack of proper sexual education, either directly or indirectly, leads people to establish a relationship with the opposite sex before marriage; Therefore, it is suggested to hold meetings based on providing sex education to parents and educators in centers such as kindergartens, schools, and neighborhood centers, and apply suitably and enhancing educational methods to them. Also, in order to prevent the increasing prevalence of premarital relationships, it is recommended that universities, families, officials, and cultural planners use preventive programs in this direction.

Keywords: *sex education, girls, relationships with the opposite sex, premarital relationships, qualitative method*

نوع مقاله : کیفی **دریافت : اسفند ۱۴۰۰** **پذیرش: تیر ۱۴۰۱** **ویرایش نهایی: شهریور ۱۴۰۱**

۱ . این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

مقدمه

تمایل به مورد توجه واقع شدن و برقراری رابطه با جنس مخالف، از جمله نیازهای اساسی جسمی و روانی در دوره نوجوانی و جوانی است. امروزه شاهد افزایش روز افزون روابط اجتماعی بین دو جنس مخالف هستیم و آن ناشی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تغییر در بافت خانواده‌ها است (جهان‌شیلا و سجادی، ۱۳۹۹). یکی از اصلی‌ترین نیازهای وجودی که بیش‌تر اوقات ذهنی فرد را به خود اختصاص داده و تا حد زیادی او را درگیر می‌کند، نیاز جنسی است (اسماعیل و همکاران[1]، ۲۰۱۵). این نیاز و شکل‌دهی روابط نزدیک و عاطفی با دیگران، به ویژه جنس مخالف، در مرحله نوجوانی و جوانی اهمیت بسیار زیادی می‌یابد (موون و رائو[2]، ۲۰۱۰) که با توجه به بالا رفتن سن ازدواج، افراد راهکارهایی را برای ارضا نیاز عاطفی-جنسی خود با جنس مخالف ایجاد می‌کنند که تحت عنوان رابطه قبل از ازدواج از آن یاد می‌شود (فلیمینگ و همکاران[3]، ۲۰۱۰). منظور از رابطه قبل از ازدواج، هرگونه روابط شناختی، عاطفی یا جنسی است که به منظور ازدواج و یا غیر از آن شکل می‌گیرد و با توجه به شرایط تداوم می‌یابد (پرلی‌هاریس و لیونس‌آموس[4]، ۲۰۱۵). عوامل گوناگونی در پیدایش و گرایش به این نوع روابط نقش دارند؛ از جمله: تمایل غریزی به جنس مخالف، عوامل اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و غیره (برزگر خضری و خدابخشی کولایی، ۱۳۹۴). یکی از عوامل موثر در برقراری رابطه با جنس مخالف، تربیت جنسی[5] است که چگونگی آن، نقش تعیین کننده‌ای در کمیت و کیفیت این‌گونه روابط دارد (نوغانی‌دخت‌بهمنی، محمدی، ۱۳۹۴).

تربیت انواع مختلفی دارد که عبارتند از: تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت سیاسی، تربیت اقتصادی و غیره. تربیت جنسی هم از انواع تربیت‌هاست (یزدانی، سهرابی شگفتی، ۱۳۹۸). این نوع تربیت، از موثرترین راه‌های افزایش آگاهی، نگرش و توانایی نوجوانان و جوانان در محافظت از خودشان است و از رفتارهای پرخطر جنسی و آسیب‌های ناشی از آن جلوگیری می‌کند (ریس و همکاران[6]، ۲۰۱۱). برخی از صاحبنظران برای تربیت جنسی دو معنا یا مفهوم را در نظر می‌گیرند. معنای اول، تربیت جنسی به معنای آموزش نقش‌های متاثر از هنجارهای اجتماعی دخترانه و پسرانه به دانش‌آموزان است. در معنای دوم، تربیت جنسی ارائه و در اختیار گذاشتن اطلاعات ضروری در مورد مسایلی است که به نوعی با غریزه جنسی انسان‌ها مربوط است (اسلامیان و همکاران،۱۳۹۴). اگرچه در برخی موارد تربیت جنسی به معنای آموزش جنسی به کار برده می‌شود و در نوشته‌ها و آثاری که غالبا در این زمینه نگاشته شده، تربیت جنسی به معنای دانستنی‌های جنسی، مکانیسم آمیزش جنسی و بیان علل و عوامل ناتوانی‌های جنسی تعریف شده است، اما دانشوران علوم تربیتی و روان‌شناسان و عالمان دینی، تربیت جنسی را در معنای وسیع‌تری به کار برده‌اند (داس[7]،۲۰۰۷). سازمان بهداشت جهانی[8]، تربیت جنسی را هماهنگی میان ذهن، احساس و جسم می‌داند که انسان را در مسیر ارتقای شخصیت، برقراری ارتباط و عشق قرار می‌دهد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۴). در جامعه‌ی ایرانی ملاک، دیدگاه اعتدالی است و مقصود از تربیت جنسی در جامعه‌ی ایرانی؛ پرورش، تعدیل، کنترل و جهت دهی به این نیاز ذاتی انسان است (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶). تربیت جنسی فراتر از آموزش جنسی می‌باشد و منظور از آن، صرف ارائه اطلاعات، به صورت مستقیم نیست، بلکه رفتار و نگرش والدین نسبت به مسائل و به طور کلی تربیت جنسی، مواردی هستند که به صورت غیرمستقیم در آموزش و اثربخشی آن نقش دارند (طهماسب‌زاده شیخلار و همکاران،۱۴۰۰). تربیت جنسی، هماهنگ ساختن رشد شناختی، اجتماعی و فرهنگی با تحولات جنسی موجود در فرد است، به گونه‌ای که در هر مرحله از زندگی اطلاعات مناسبی دریافت کند و موجب رشد و ارتقا اخلاق جنسی در فرد گردد (مزیدی و خدمتیان، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، تربیت جنسی ارائه سلسله‌ای از اطلاعات روانشناختی، جسمانی و دینی در زمینه مسائل جنسی مرتبط با فرد است و موجب آگاهی بیشتر در زمینه آشنایی با خصوصیات جنس مخالف می‌شود (تربتی و همکاران، ۱۳۹۸). یزدانی و سهرابی‌شگفتی (۱۳۹۷) معتقد هستند که تربیت جنسی بر رشد جنسی کودک تاثیر می‌گذارد و موجب تسهیل‌گری در رشد جنسی او می‌شود؛ به این ترتیب تا حد زیادی جلوی بسیاری از انحرافات جنسی گرفته خواهد شد. لیندبرگ

1. Ismail et al
2. Moon & Rao
3. Fleming et al
4. Perelli-Harris & Lyons-Amos
5. Sex education
6. Reis et al
7. Das
8. World Health Organization

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

و مادوزیمت[1] (۲۰۱۲) به این نتیجه دست یافتند که تربیت جنسی زمینه لازم برای اجتناب از روابط جنسی آسیب‌زا را فراهم می‌کند. یزدانی و سهرابی‌شگفتی (۱۳۹۷) عنوان می‌کنند، هدف تربیت جنسی این است که فرد در دوره‌های مختلف زندگی به گونه‌ای پرورش یابد و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا شود و نقش جنسیتی خود را بپذیرد، احکام و آداب عرفی در رابطه با مسائل جنسی خود و ارتباط با دیگران، اعم از همجنس و غیرهمجنس را فرا گیرد و در نتیجه بتواند آمادگی جسمی و روانی لازم را برای ازدواج و تشکیل خانواده به دست آورد و در سایه آن به آرامش برسد. انتقال این احساس که ارزش انسان به جنسیت او نیست و هر دو جنس برابر و یکسان هستند، یکی از موارد مهمی است که نیاز است والدین در رابطه با فرزندان خود در نظر بگیرند تا هویت جنسی آن‌ها به طور مناسب شکل بگیرد و جنسیت خود را بپذیرند (دیار و همکاران[2]، ۲۰۱۴). بنابراین، والدین یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین عوامل در تربیت جنسی فرزندان هستند (گنجی و همکاران، ۲۰۱۷). مبردی و همکاران (۱۳۹۶) معتقد هستند والدین نقش کلیدی و مهمی در سلامت جنسی و روانشناختی افراد و به ویژه کودکان دارند. والدین با مراقبت و حمایت، ارضای نیازهای روانشناختی و عاطفی و همچنین پرورش خصایص اخلاقی و دینی در فرزند خود، به طور غیرمستقیم بر عملکرد و رشد جنسی وی اثر می‌گذارند (طهماسب‌زاده شیخلار و همکاران،۱۴۰۰) و از این طریق، تا حد زیادی از انحرافات جنسی او جلوگیری خواهند کرد (یزدانی و سهرابی‌شگفتی، ۱۳۹۷). براساس نتایج پژوهش خلج‌آبادی فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) تجربه ارتباط با جنس مخالف و نزدیکی جنسی در افرادی بیشتر است که والدینشان ارزش‌های غیرسنتی و سهل‌گیرانه‌ای نسبت به این‌گونه روابط دارند؛ همچنین جو نامناسب خانواده، ارتباط ضعیف والد-فرزندی با گرایش به روابط قبل از ازدواج هماهنگ می‌باشد. در پژوهشی دیگر نشان داده شد که افراد به علت وجود تعارض خانوادگی و روابط نامناسب بین اعضای خانواده، به منظور جبران کمبود و کسب حمایت و صمیمیت به سوی این روابط کشیده می‌شوند و به رفتارهای پر خطر جنسی متمایل می‌گردند (یاریاری و همکاران، ۱۳۹۴). حیدری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش خانواده و معلمان در تربیت جنسی فرزندان پرداختند. آن‌ها عنوان کردند والدین مسئول اصلی تربیت جنسی فرزندان هستند و در کنار آن‌ها، معلمان با عملکرد خود می‌توانند ذهن نوجوان را روشن سازند و به او کمک نمایند تا بتواند مسائل خود رادر ابعاد گوناگون زندگی حل نماید. والدین باید فرزند نوجوان خود را نسبت به تغییرات بلوغ آگاه سازند و در این زمینه به او اطلاعات ارزشمندی بدهند (اسماعیل و همکاران، ۲۰۱۵). رابینسون و همکاران[3] (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این یافته رسیدند که والدین منبع اصلی پاسخ دادن به سوالات کودک در رابطه با مسائل جنسی هستند و نحوه پاسخ آن‌ها در ابعاد گوناگون تربیت کودک تاثیرگذار است. والدینی که نسبت به تربیت جنسی و پیشگیری از آگاهی جنسی زودرس فرزندان خود بی‌تفاوت باشند، زمینه بیشتری از یادگیری رفتارهای جنسی آسیب‌زا در فرزندان خود ایجاد می‌کنند و چه بسا با نابهنجاری‌های رشدی بیش‌تری مواجه شوند (طهماسب‌زاده شیخلار و همکاران، ۱۴۰۰)؛ در مقابل والدینی که روش‌های مراقبت از خود را به کودک آموزش می‌دهند، موجب رشد سازنده‌تر وی می‌گردند و جلوی بسیاری از انحرافات جنسی گرفته خواهد شد (حبیبی و گوهری‌مقدم، ۱۳۹۶)، ولی متاسفانه پژوهش‌ها نشان می‌دهند که از این امر اجتناب می‌شود. همانطور که مجدپور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این یافته دست یافت که بیشتر مادران به ارائه اطلاعات جنسی به فرزندان به شکل محدود اعتقاد دارند و موانع آن‌ها از آموزش این اطلاعات به فرزندان عبارتند از: خجالت از طرح موضوع، نگرانی از گستاخی و کنجکاوی دختران، آگاهی ناکافی درباره مسائل جنسی و نبود مهارت برقراری ارتباط موثر با آن‌ها. بسیاری از والدین از پاسخ دادن به سوالات جنسی فرزندان خود امتناع می‌کنند و این امر موجب می‌گردد تا کودک سوالات خود را از والدین جویا نشود (تربتی و همکاران، ۱۳۹۸). گاهی هم والدین پاسخ‌هایی می‌دهند که کودکان متوجه می‌شوند اطلاعات دریافتی‌شان از والدین با واقعیت مطابق نیست و پیرو این امر، به دنبال پاسخ سوالات خود از منابع دیگر می‌گردند؛ مانند: دوستان، اطرافیان و رسانه‌ها (مزیدی و خدمتیان، ۱۳۹۷). افراد بخشی از اوقات خود را در محیط اجتماعی و در ارتباط با دیگران می‌گذرانند و همین سیستم، چگونگی رشد و تربیت جنسی افراد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد (یزدانی و سهرابی‌شگفتی، ۱۳۹۷). ویوانکوس و همکاران[4] (۲۰۱۳) در تحقیق خود که به روش کمی صورت گرفته است، اذعان نمودند که روابط با بعضی از دوستان در نوجوانی ممکن است باعث افزایش روابط پر خطر جنسی[5] در نوجوانی گردد. رضازاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این امر اشاره می‌کند که رسانه در سوق‌دادن افراد به روابط جنسی-عاطفی پرخطر نقش زیادی دارد. برخی از رسانه‌ها، با نمایش صحنه‌هایی خاص، تمایلات جنسی را پیش از موقع در افراد برمی‌انگیزاند و

1.Lindberg & Maddow-Zimet
2. Dyar et al
3. Robinson et al
4 .Vivancos et al
5 .Risky sexual relationships

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

چنین امری زمینه‌ساز طیفی از بدکارکردی‌های جنسی و بروز آسیب در افراد می‌شود (سرزهی و همکاران، ۱۳۹۵). همانطور که مقربیان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل مهم در پیش‌بینی روابط پرخطر قبل از ازدواج، استفاده از ماهواره است. نوغانی‌دخت بهمنی و محمدی (۱۳۹۵) عنوان می‌کنند تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای با نگرش به دوستی و روابط قبل از ازدواج رابطه معنی‌داری دارد و تاثیرپذیری از فرهنگ‌های خارجی، تا حد زیادی افراد را به ایجاد این نوع از روابط تشویق می‌کند. در پژوهشی که توسط نادری و همکاران (۱۳۹۹) صورت گرفت، نشان داده شد که تجربه برخی مادران از دوران کودکی خود، حاکی از ماندگاری و تداوم تصاویر دیده شده و محتواهای شنیده شده از ماهواره در ذهن آنان بود و این امر موجب کنجکای بیش‌تر آنان برای دریافت پاسخ سوالات خود شده بود. نظام‌های تعلیم و تربیت هم از دیگر موارد مهم و اثرگذار در تربیت جنسی افراد هستند اما متاسفانه در کشور ما جای خالی چنین آموزشی احساس می‌شود (اسلامیان و همکاران، ۱۳۹۴). گریس گروس و همکاران[1] (۲۰۱۴) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش جنسی در مدرسه نقش مهمی در سلامت جنسی کودکان و نوجوانان خواهد داشت و با این حال، موانعی وجود دارد که موجب می‌شود به ندرت به این امر توجه می‌شود. مبردی و همکاران (۱۳۹۶) در نتیجه پژوهشی که انجام دادند چندی از موانع چنین آموزش‌هایی را بیان کردند که عبارتند از: حفظ معصومیت کودک، عدم آگاهی از نحوه ارائه اطلاعات به کودک متناسب با سن او، ترس از نقدها و سوالات پی در پی کودکان. یاری و ابراهیمی (۱۳۹۵) هم در پیرو تایید این مطلب، در پژوهش خود بیان کردند که یکی از دلایل مهم نامطلوب بودن تربیت جنسی در نظام تعلیم و تربیت و به طور کلی جامعه، عدم وجود رعایت اصول اخلاق جنسی و ضعف در میزان آگاهی آن‌ها از نحوه ارائه اطلاعات جنسی است.

یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های شایع در بین جوانان برقراری روابط قبل از ازدواج است؛ روابطی که ماهیتی عاطفی ـ جنسی دارد و به‌مرور زمینه را برای طیفی از آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی، بین‌فردی و محیطی فراهم می‌سازد. همچنین، لازم به ذکر است، همزمان با افزایش معاشرت‌های قبل ازدواج با جنس مخالف، میزان ناکامی و شکست در ازدواج سیر صعودی یافته است و میزانی از عدم رضایت زناشویی به نوع شروع رابطه و شک و تردیدها مربوط می‌شود (خلج آبادی فراهانی،۱۳۹۵). تربیت جنسی از جمله عواملی است که می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مناسبی در ورود به روابط قبل از ازدواج باشد. با این حال، براساس بررسی نویسندگان، در کشور ما و با توجه به اهمیت هنجارهای فرهنگی، در زمینه تربیت جنسی و همچنین روابط قبل از ازدواج، پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما پژوهشی که به صورت پدیداری و از دیدگاه افراد، به بررسی چگونگی تربیت جنسی در افراد دارای روابط قبل ازدواج با جنس مخالف بپردازد، یافت نشد. بنابراین، در این پژوهش کیفی سعی شد به اهمیت تربیت جنسی و نقش آن در چگونگی و کمیت و کیفیت برقراری روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف و همچنین نابهنجاری‌های ناشی از آن توجه کند و این موارد را بدون دخل و تصرف، منحصرا از دیدگاه افراد مشارکت‌کننده مورد بررسی قرار دهد. بنابراین پژوهش حاضر از این حیث دارای اهمیت می‌باشد و تاکید دوچندانی به این موضوع می‌کند که لازم است آگاهی و اطلاعات افراد و به ویژه والدین، که نقش مهم و اساسی در تربیت فرزندان خود دارند، در زمینه تربیت جنسی و تبعات ناشی از آن، افزایش یابد و با اعمال محدودیت‌ها و چهارچوب‌های مناسب در رابطه با جنس مخالف، از شکل‌دهی تعاملات نامناسب جلوگیری کنند. با توجه به اهمیت تربیت جنسی و نقش آن در ورود به روابط قبل از ازدواج و از آن‌جا که تجربه زیسته هر فردی با دیگری متفاوت است، هدف این پژوهش دستیابی به پاسخ این سوال بود که تجربه زیسته دختران دارای روابط قبل از ازدواج (اعم از جنسی، عاطفی و یا عاطفی-جنسی) از تربیت جنسی چگونه است؟

روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی[2] و با روش پدیدارشناسی[3] انجام شده است. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند[4] استفاده شد و با تعداد ۱۲ نفر به اشباع رسید؛ به این معنا که یافته‌ی جدیدی کشف نشد و یافته‌ها توسعه نیافت. جامعه پژوهش دختران جوان ساکن در تهران بودند که تجربه روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف (اعم از جنسی، عاطفی و یا عاطفی-جنسی) را داشتند. نمونه‌ها شامل ۱۲ دانشجوی

1.Grace Grose et al
2 .Qualitative Research
3 .Phenomenology
4. Purposive sampling

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

دختر در گروه سنی ۲۲-۲۸ و ساکن تهران در سال ۱۳۹۸-۱۴۰۰ بودند که تجربه چنین روابطی را داشتند. همچنین لازم به ذکر است که وجود ملاک‌های زیر برای ورود افراد به پژوهش، مد نظر قرار گرفت: ۱. دختر بودن، ۲. داشتن تجربه روابط قبل از ازدواج (جنسی، عاطفی و یا عاطفی-جنسی) با جنس مخالف، ۳. جوانان بین بازه سنی ۱۸-۲۸ سال، ۴. عدم وجود مشکلات جدی مالی و یا روحی، ۵. اعلام آمادگی برای شرکت در پژوهش؛ و در صورت عدم تمایل به ادامه فرایند پژوهش و یا عدم ایجاد اعتماد کافی به منظور افشای روابط خود و درنتیجه پاسخگویی مبهم در مقابل سوالات مصاحبه‌کننده (با وجود تاکید به رازداری و رعایت موازین اخلاقی در ابتدای مصاحبه)، مشارکت‌کننده از پژوهش خارج می‌شد. به منظور تحلیل داده‌ها از روش کلایزی[1] بهره گرفته شد؛ بدین صورت که در اولین گام، تمام اطلاعات حاصل از مصاحبه به دقت خوانده شد، به گونه‌ای که برای محقق قابل فهم باشد؛ در گام دوم، کلمات و جملاتی که در ارتباط با پدیده مورد نظر بودند استخراج و مقوله‌بندی شدند. و سپس در گام بعدی، دسته‌بندی‌های کلی‌تری صورت گرفت و مقوله‌های جدیدی به دست آمد.

ابزار سنجش

در این پژوهش، از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته[2] استفاده گردید و سوالات خاصی از تمام پاسخگویان پرسیده شد، البته تغییر سوالات در روند مصاحبه مانعی نداشت و فرایندی پیش‌رونده بود. به منظور اجرای پژوهش، محقق با مراجعه به خوابگاه و همچنین محیط دانشگاهی، پژوهش خود را آغاز نمود. سوالات به صورت مستقیم و غیرمستقیم از مشارکت‌کنندگان پرسیده شدند و مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۰ الی ۶۰ دقیقه بود و این به شرایط، زمان و میزان همکاری مشارکت‌کننده بستگی داشت. تمام مصاحبه، با کسب اجازه و رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، رعایت اصل رازادری و استفاده از اسم مستعار آن‌ها به صورت صوتی ضبط و به منظور تحیل آن‌ها روی کاغذ پیاده شدند. به منظور اعتباریابی[3] داده‌ها، پس از تحلیل هر مصاحبه و کسب اطلاعات، به منظور تعیین درستی و غلطی کدهای به دست‌آمده، مجددا به مشارکت‌کنندگان رجوع شد تا تایید و یا در صورت لزوم، تغییراتی اعمال شود. همچنین، به منظور حفظ قابلیت و اصالت یافته‌ها، تلاش شد تا پژوهشگران پیش‌فرض‌های خود را دخالت ندهند. بنابراین، در طول فرایند پژوهش، بررسی و اصلاح دائمی کدها، کنترل و اعتباریابی توسط مشارکت‌کنندگان و بازنگری توسط افرادی غیر از پژوهشگر صورت گرفت (قدرتی و حسنی، ۱۳۹۴).

یافته ها

یافته‌ها در دو بخش ارائه شده‌اند؛ در بخش اول، اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در قالب جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند؛ سپس در بخش دوم، یافته‌های تحقیق به صورت جدول، شامل شناسه‌ها، مضامین فرعی و مضامین اصلی آمده است.

۱. جدول اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

شماره	سن	وضعیت سکونت	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر
۱	۲۳	خوابگاه	فوق لیسانس	لیسانس
۲	۲۵	خوابگاه	فوق لیسانس	لیسانس
۳	۲۴	خوابگاه	لیسانس	لیسانس
۴	۲۶	غیرخوابگاه	سیکل	دیپلم
۵	۲۸	غیرخوابگاه	لیسانس	فوق لیسانس
۶	۲۴	خوابگاه	ابتدایی	بی‌سواد
۷	۲۴	خوابگاه	لیسانس	لیسانس
۸	۲۲	غیرخوابگاه	متخصص	فوق لیسانس
۹	۲۵	غیرخوابگاه	دیپلم	دیپلم

1 .Colaizzi
2 .Semi-structured interview
3 .Credibility

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

۱۰	۲۷	غیرخوابگاه	لیسانس	لیسانس
۱۱	۲۶	غیرخوابگاه	لیسانس	دیپلم
۱۲	۲۶	غیرخوابگاه	فوق لیسانس	لیسانس

بازه سنی دانشجویان بین ۲۲ الی ۲۸ سال و میانگین سنی، ۲۵ بود؛ توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان در گروه سنی ۱۸ الی ۲۲ سال ۱ نفر (۸.۳ درصد)، ۲۳ الی ۲۵ سال ۶ نفر (۵۰ درصد) و ۲۶ الی ۲۸ سال ۵ نفر (۴۱.۶ درصد) می‌باشد. از این بین، ۵ نفر از نمونه‌ها ساکن خوابگاه (۴۱.۶ درصد) و ۷ نفر غیرخوابگاهی (۵۸.۳ درصد) بودند. توزیع فراوانی برحسب تحصیلات مادر عبارت است از: زیر دیپلم ۱ نفر (۸.۳ درصد)، دیپلم ۳ نفر (۲۵ درصد)، لیسانس ۶ نفر (۵۰ درصد) و فوق لیسانس ۲ نفر (۱۶.۶ درصد). همچنین، توزیع فراوانی بر حسب تحصیلات پدر در سطح زیر دیپلم ۲ نفر (۱۶.۶ درصد)، دیپلم ۱ نفر (۸.۳ درصد)، لیسانس ۵ نفر (۴۱.۶ درصد) و فوق لیسانس ۴ نفر (۳۳.۳ درصد) می‌باشد.

۲. جدول مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

شناسه‌ها	مضامین فرعی	مضامین اصلی
محول کردن پاسخ به سنین بالاتر	پاسخ‌های رایج در مورد چگونگی فرزندآوری	عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی
هدیه بودن از جانب خدا		
استفاده از استعاره مثل قفل داشتن شکم		
توضیح دیرهنگام و یا عدم ارائه اطلاعات	آموزش و ارائه اطلاعات جنسی و جنسیتی	
ارائه اطلاعات محدود		
کنترل شدن دائمی از سوی خانواده و احساس تهدید از جانب آن‌ها	الگوهای تعاملی خانواده	
اعتماد والدین به فرزند و عدم اعمال محدودیت از جانب آن‌ها		
روابط سرد بین والدین و اعضا خانواده		
حفظ حریم و حرمت بین اعضا خانواده		
حمایتگر بودن خانواده		
نقش مشورتی پدر		
مشخص بودن حد و حدود رابطه	دیدگاه خانواده در رابطه با جنس مخالف	
اعتقاد باز نسبت به رابطه با جنس مخالف		
مخالف بودن با روابط قبل از ازدواج		
ماهواره و فیلم‌های صحنه‌دار	رسانه و فضای مجازی	منابع اطلاعاتی اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تربیت جنسی
دسترسی آسان به فضای مجازی		
تاثیر فضای مجازی بر ریختن قبح روابط جنسی		
الگوبرداری و تاثیرپذیری از دوستان و همسالان	گروه دوستان	
همبازی بودن با پسرها در دوران کودکی		
عدم دریافت اطلاعات مناسب از طریق معلم و کتب درسی	مدرسه	

در مرحله مقوله‌بندی داده‌ها، ۲۰ شناسه به دست آمد که در مرحله مقوله‌بندی، مضامین فرعی به ۷ و مضامین اصلی به ۳ رسید. در ادامه به توضیح بیشتری از مفاهیم به دست آمده، پرداخته شده است:

الف) عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی

۱- پاسخ‌های رایج در مورد چگونگی فرزندآوری

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

- محول کردن پاسخ به سنین بالاتر: "مامانم در جواب سوال من " که از کجا آمدم؟" همش میگفت خودت بزرگ میشی میفهمی"
- هدیه بودن از جانب خدا: "خانواده همیشه میگفتن خدا تو رو به ما هدیه داده"
- استفاده از استعاره قفل داشتن شکم: "تا قبل از آنکه دوستم بهم بگه، فکر میکردم دل مامانم قفل داره. قفلشو باز میکنه که بچه بیاد؛ یعنی مامانم بهم گفته بود"

۲. آموزش و ارائه اطلاعات جنسی و جنسیتی

- توضیح دیرهنگام و یا عدم ارائه اطلاعات: "بعد از اینکه خواهرم عروسی کرد و من باهاش راحت شدم، اون خیلی از موارد مربوط به روابط جنسی را برام باز کرد". "ما رو خیلی محدودمون کرده بودن و خودمون میرفتیم دنبال سوالاتمون، از چگونگی تولید بچه تا عادت ماهانه شدن"
- ارائه اطلاعات محدود: " همیشه مامانم در مقابل سوالاتم جواب کوتاه میداد و اینجور بیشتر منو کنجکاو میکرد، بیشتر هم توضیح نمیداد و تازه ذهن من میخواست بگرده تا جزییات بیشتری بفهمه"

۳. الگوهای تعاملی خانواده

- کنترل شدن دائمی از سوی خانواده و احساس تهدید از جانب آن‌ها: "پدر و مادرم همش گوشیمو چک میکردن، با دوستام بیرون میرفتم همراهم میومدن و این کنترل اونا واقعا منو عقده‌ای کرده و الان انگار افسار بریدم"
- اعتماد والدین به فرزند و عدم اعمال محدودیت از جانب آن‌ها: "خانواده‌ی من جوری نبودن که با رفتارشون من را محدود کنن و بهم اجازه معاشرت با جنس مخالف را ندهند. اونها به من اعتماد داشتن و منم مواظب روابطم بودم"
- روابط سرد بین والدین و اعضا خانواده: " وقتی دختری را میبینم که با مامان باباش راحتن و دست همو گرفتن حسویم میشه. حتی برای تبریک و مراسمای خاص هم خجالت میکشم مامان بابامو ببوسم و باهاشون دست میدم"
- حفظ حریم و حرمت بین اعضا خانواده: "من هم مثل مامانم از گفتن بعضی چیزها حیا دارم و حد و حدود رابطه‌ام رو با والدینم حفظ می‌کنم و هر حرفی رو نمیزنم..."
- حمایتگر بودن خانواده: "هر وقت بخواهم با یک پسر وارد رابطه بشم چون میدونم بهم اعتماد دارن و همراهی و درک میکنن، به خانواده میگم"
- نقش مشورتی پدر: "من فهمیدم بابام ظرفیت این رو داره که بشه در مورد رابطه با جنس مخالف باهاش حرف زد؛ خیلی منو راهنمایی میکنه"

۴. دیدگاه خانواده در رابطه با جنس مخالف

- مشخص بودن حد و حدود رابطه: "مامانم زیاد اهل بکن نکن نبود؛ ولی غیر مستقیم خیلی چیزارو، مثل رعایت حدو مرز در روابطو یاد گرفتم و با اینکه رابطه دارم ولی خیلی مراقبم و هدفم ازدواجه"
- اعتقاد باز نسبت به رابطه با جنس مخالف: "خانواده ی من، خانواده ی بازی‌ای هستند و من راحت در مورد روابطم با پسرها با آن‌ها حرف میزنم"
- مخالف بودن با روابط قبل از ازدواج: "از صحبت‌هایی که والدینم در جمع میکردند، میفهمیدم که با رابطه با جنس مخالف مخالفن و براشون چندش آوره و اصلا در جریان روابطم نیستند. تمام تلاشم اینه که نفهمن".

ب) منابع اطلاعاتی اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تربیت جنسی

۱. رسانه‌ها و فضای مجازی

- ماهواره و فیلم‌های صحنه‌دار: "من جزییات رابطه‌ی جنسی رو از طریق فیلم‌های خارجی که صحنه‌ی بدی داشت، متوجه شدم"
- دسترسی آسان به فضای مجازی: "وقتی کودک بودم این‌گونه نبود که خیلی راحت بیان کنند روابط جنسی را.. فضای مجازی خیلی موثره، من در نوجوانی از طریق فیلمای اینترنت، خیلی چیزها را متوجه شدم"
- تاثیر فضای مجازی بر ریختن قبح روابط جنسی: " انقدر فیلم و کلیپ‌ها زیاده و تمام دوستای من آن‌ها را می‌بینند که دیگه قبحش ریخته شده. یادمه در راهنمایی باهم میشستیم و کلیپارو میدیدیم و خجالتم نمیکشیدیم"

۲. گروه دوستان

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

- الگوبرداری و تاثیرپذیری از دوستان و همسالان: "اول راهنمایی بودم که دوستم در مورد رابطه ی جنسی بهم گفت و تا دو ماه مغزم درگیر بود. اونا راحت با جنس مخالف ارتباط داشتن و منم میگفتم من چرا نداشته باشم"
- همبازی بودن با پسرها در دوران کودکی: "من در کودکی بیشتر با پسرها بازی می‌کردم و الان هم دوست شدن با پسرها حتی در حد اجتماعی، برام راحت و طبیعیه. حتی اولین اطلاعات در مورد تفاوت جنسیتی رو آن موقع متوجه شدم"

۳. مدرسه

- عدم دریافت اطلاعات مناسب از طریق معلم و کتب درسی: "معلم ها در مدرسه خیلی کم در مورد مسائل جنسی و جنسیتی حرف میزدن ، چون میترسیدن"

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تربیت جنسی در دختران دارای روابط قبل از ازدواج (اعم از جنسی، عاطفی و یا عاطفی-جنسی) انجام شد. از تحلیل و بررسی مصاحبه‌های انجام شده ۲ مضمون اصلی استخراج شد که عبارتند از: عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی و منابع اطلاعاتی اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تربیت جنسی. در ادامه نکاتی در رابطه با این دو حیطه بیان شده است.

عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی شامل ۴ زیرمقوله فرعی است که شامل پاسخ‌های رایج در مورد چگونگی فرزندآوری، آموزش و ارائه اطلاعات جنسی و جنسیتی، الگوهای تعاملی خانواده و دیدگاه خانواده در رابطه با جنس مخالف می‌باشد. پژوهش‌های صورت گرفته، نشان داده است که خانواده و والدین نقش مهمی در تربیت جنسی فرزندان دارند (گنجی و همکاران، ۲۰۱۷؛ مبردی و همکاران، ۱۳۹۶) که براساس داده‌های حاصل از پژوهش حاضر، این امر به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد و می‌تواند موجبات رشد جنسی سالم و رضایتمند را ایجاد کند. تربیت جنسی مستقیم مربوط به نقش‌های جنسیتی و کارکردهای ضروری و متناسب با جنسیت فرد است و مستقیما به ارائه آموزش‌های جنسی اشاره دارد. در این پژوهش، یافته‌ها در رابطه با مضامین پاسخ‌های خانواده در مورد چگونگی فرزندآوری و آموزش و ارائه اطلاعات جنسی و جنسیتی، به عملکرد و روش مستقیم خانواده در تربیت جنسی اشاره دارد. مشارکت‌کنندگان براساس تجارب خود در کودکی، عنوان کردند که در مقابل کنجکاوی ذهن خود از والدین، مبنی بر نحوه و چگونگی فرزندآوری، پاسخی دریافت نکردند و والدین به گفتن جملاتی نظیر "بزرگ می‌شوی متوجه می‌شوی" یا " هدیه و حکمت خداست" و غیره، بسنده می‌کردند. همین امر موجب شده است همزمان با دریافت پاسخ از منابع اطلاعاتی دیگر در این زمینه، احساسات منفی به آن‌ها غلبه کند و حتی برای مدتی هر چند کوتاه، حس تنفر نسبت به والدین به آن‌ها دست بدهد. به علاوه، نزدیک به ۹۰ درصد از مشارکت‌کنندگان بیان کردند، اطلاعات خود در رابطه با عادت ماهانه و مسائل بلوغ، روابط جنسی و مسائلی از این دست را از جانب خانواده و والدین دریافت نکردند و یا آن‌که اگر اطلاعاتی هم کسب نمودند، بسیار محدود و جزئی بوده، به نحوی که موجب کنجکاوی بیش‌تر آن‌ها شده بود. این عدم ارضای کنجکاوی ذهنی از جانب والدین، آن‌ها را به سمت منابع اطلاعاتی دیگر، نظیر دوستان، فیلم‌ها و غیره، سوق داده و موجب دریافت اطلاعات به صورت نامناسب و نامتناسب با سن در آن‌ها شده است. یافته‌های پژوهشی با نتایج رابینسون و همکاران (۲۰۱۷)، مجدپور و همکاران (۱۳۹۶)، تربتی و همکاران (۱۳۹۸) و مزیدی و خدمتیان (۱۳۹۷) همسو است؛ آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که با وجود مهم بودن نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان، به دلایل متفاوتی از چنین امری امتناع می‌گردد و همین امر موجب می‌شود تا فرد به منظور دستیابی به پاسخ سوالات خود به منابع دیگر رجوع کند و حتی اطلاعات نامناسبی دریافت نماید.

۲ زیر مقوله دیگر که در رابطه با عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی است عبارتند از: الگوهای تعاملی و دیدگاه خانواده در رابطه با جنس مخالف. این مقوله‌ها که از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به دست آمده، از روش‌های غیر مستقیم والدین در تربیت جنسی فرزندان است. تربیت جنسی غیرمستقیم به تعاملات موجود و ارضای نیاز عاطفی، همچنین پرورش خصوصیات اخلاقی در فرد اشاره دارد و نقش موثری در رشد جنسی فرد خواهد داشت (طهماسب‌زاده شیخلار و همکاران،۱۴۰۰). در رابطه با مضمون الگوهای تعاملی خانواده، چندی از مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش اظهار کردند به دلیل عدم صمیمت و روابط نزدیک با خانواده، بسیاری از دغدغه‌ها، نگرانی‌ها و سوالات جنسی خود را کتمان می‌کردند. آن‌ها در محیطی بودند که بین اعضا روابطی سرد و خشک حاکم بود و این محیط، باعث شده بود تا میل به مورد محبت واقع شدن و نیاز عاطفی آن‌ها ارضا نشود. به گفته خود آن‌ها، همین امر موجب شده تا فرد در پی ارضا نیاز خود، به سمت برقراری رابطه با جنس مخالف سوق داده شود؛ روابطی که ممکن است به نزدیکی جنسی ختم شده باشد. یافته‌های این بخش از

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

پژوهش با نتایج پژوهش خلج‌آبادی فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) و یاریاری و همکاران (۱۳۹۴)، مبتنی بر ارتباط معنادار و همسو جو نامناسب خانواده و ارتباط ضعیف والد-فرزندی با گرایش به روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف، همخوان است. در این بین، مصاحبه‌شوندگان دیگری حضور داشتند که از روابط مناسب و حمایتی در خانواده برخوردار بودند. آن‌ها عنوان کردند بین اعضا حریم و چهارچوب‌هایی برقرار است و در عین صمیمیت، مرزها حفظ می‌شود؛ از نظر آن‌ها، همین امر باعث شده است تا جلوی بسیاری از بدکارکردی‌های رفتاری و بی‌راهه‌روی‌ها گرفته شود. به گفته آن‌ها، این فضای حمایتی و و جود گفتمان بین اعضا خانواده، نقش موثری در کاهش نگرانی‌ها و دغدغه‌ها دارد؛ آن‌ها آنقدر محیط خانه را امن می‌دانستند که هیچ‌گونه روابط پنهانی با جنس مخالف نداشتند و در عین در جریان بودن خانواده، از راهنمایی‌ها و تجارب آن‌ها هم بهره‌مند می‌شدند و حمایت لازم را دریافت می‌کردند؛ این یافته‌ها با نتایج پژوهش حبیبی و گوهری‌مقدم (۱۳۹۶)، رابینسون و همکاران (۲۰۱۷) همسو هستند. بسیار جالب و قابل تامل است که نزدیک به ۴۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان، به اهمیت و نقش پدر در نوع روابط با جنس مخالف اشاره نمودند؛ بدین صورت که او را یک منبع مشورتی می‌دانستند و به راحتی مسائل خود را، حتی در رابطه با جنس مخالف، مطرح می‌کردند. این گروه از مشارکت‌کنندگان، روابط سنجیده‌تر و هدفمندتری در برقراری رابطه قبل از ازدواج با جنس مخالف را گزارش دادند و صرفا به منظور تخلیه هیجانی و ارضای نیاز عاطفی، به این نوع از روابط رو نیاوردند؛ بلکه بیش‌تر به قصد آشنایی و با هدف ازدواج وارد رابطه شده‌اند. دید و نگرش خانواده و به خصوص والدین، در رابطه با جنس مخالف، از ابعاد مهم و مورد بررسی دیگری است که به طور غیرمستقیم در تربیت جنسی نقش موثری ایفا می‌کند و در عین حال، از آن تاثیر هم می‌پذیرد. در نتیجه یافته‌های به دست آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، تعدادی از آن‌ها به وجود اعتقاد باز خانواده نسبت به جنس مخالف و برقراری رابطه با او اشاره نمودند؛ بدین صورت که از نظر آن‌ها، برقراری این‌گونه روابط در قبل از ازدواج، بهنجار محسوب می‌شود و رایج و طبیعی می‌باشد؛ چندی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که حتی با یکدیگر رفت و آمد خانوادگی دارند، بدون آن‌که قصدی برای ازدواج وجود داشته باشد و تنها دوست یکدیگر محسوب می‌شوند. در این بین، تعدادی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اذعان کردند با وجود اعتقاد باز و دید وسیع خانواده و والدین در زمینه برقراری رابطه با جنس مخالف، از نظر آن‌ها رابطه‌ای ارزشمند است که هدفمند باشد و حد و حدود رابطه رعایت گردد. در مقابل، خانواده‌هایی قرار دارند که دید مثبتی نسبت به روابط قبل از ازدواج ندارند و آن را خارج از چهارچوب‌های خود به حساب می‌آورند. همانطور که در پژوهش حاضر، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به مخالفت و سرسختی خانواده در رابطه با جنس مخالف اشاره نمودند و همین را دلیل گرایش خود به برقراری رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج عنوان کردند. این افراد ترس و ناامنی بیش‌تری احساس می‌کردند و نگران افشا شدن رابطه در مقابل خانواده‌شان بودند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگانی که ساکن خوابگاه بودند، یکی از دلایل اصلی تحصیل در شهر دیگر را دور شدن از فضای خانواده و به دست آوردن رهایی اعلام کردند؛ با این حال، استرس و نگرانی از برملا شدن رابطه را همراه همیشگی خود عنوان نمودند. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش خلج‌آبادی فراهانی و مهریار (۱۳۸۹)، مبتنی بر تاثیر اعتقادات و ارزش‌های خانواده و والدین در میزان گرایش به رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج، همسو است.

یافته‌هایی که مرتبط با عملکرد و نگرش خانواده در رابطه با تربیت جنسی است می‌توان این‌گونه گفت که والدین و خانواده به طور مستقیم و غیرمستقیم در رشد و پرورش بعد جنسی و جنسیتی فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کنند و کمیت و کیفیت همین امر، پیش‌بینی‌کننده مهمی در ورود به روابط قبل از ازدواج آن‌ها خواهد بود. در پی تایید این گفته، زیگموند فروید[1] که از نظریه‌پردازان بزرگ علم روان‌شناسی است، والدین و روابط والد-فرزندی را از اصلی‌ترین عوامل تربیت جنسی فرزندان می‌داند، به گونه‌ای که آن‌ها را برای پذیرش نقش‌های جنسیتی خود و کسب مهارت‌های مربوط به آن آماده سازند (یزدانی و سهرابی‌شگفتی، ۱۳۹۷). در صورتی‌که والدین از آگاهی لازم به منظور ارائه اطلاعات جنسی و جنسیتی مناسب و متناسب با سن فرزند برخوردار نباشند و همچنین، بین اعضای خانواده و والدین روابط سرد و خشکی حاکم باشد، به طوری که امکان گفتمان مناسب و ارتباط صمیمانه وجود نداشته باشد، افراد به مرور زمان به منابع اجتماعی دیگری روی می‌آورند تا هم به پاسخ سوالات و کنجکاوی‌های ذهنی خود دست یابند و هم نیاز عاطفی وجودی خود را ارضا نمایند (تربتی و همکاران، ۱۳۹۸). براساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، روابط بین اعضای خانواده و به ویژه روابط والد-فرزندی که به صورت غیرمستقیم در تربیت جنسی اثرگذار می‌باشد، ارزش کمتری از تربیت جنسی به شیوه مستقیم ندارد، بلکه پیش‌بینی‌کننده قوی در میزان گرایش و ورود به روابط قبل از ازدواج است و وجود روابط ضعیف والد-فرزندی موجب سوق دادن فرد به

1. Sigmund Freud

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

برقراری روابط با دیگرانی غیر از خانواده می‌شود؛ چه بسا، در پی ارضای نیاز خود به دریافت مهر و محبت، به روابط با جنس مخالف در قبل از ازدواج روی آورند.

منابع اطلاعاتی اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تربیت جنسی، مضمون اصلی بعدی است که در نتیجه مصاحبه‌های انجام شده به دست آمد و دارای ۳ مقوله فرعی رسانه و فضای مجازی، گروه دوستان و مدرسه می‌باشد. براساس پژوهش‌های صورت گرفته، نشان داده شد که در صورتی‌که خانواده پاسخگوی سوالات و کنجکاوی‌های کودک نباشد و یا در سطح نامطلوب و نامتناسب با سن پاسخ او را بدهد، همین امر موجب سوق دادن وی به سمت منابع دیگر می‌شود تا از این طریق بتواند پاسخ سوالات خود را دریابد. براساس پژوهش حاضر، یکی از منابع اطلاعاتی مهمی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، رسانه و فضای مجازی بود. تعدادی از این افراد، بیان نمودند که وجود ماهواره در منزل و دیدن صحنه‌هایی از روابط جنسی، یکی از راه‌های کسب اطلاعات و باز شدن چشم و گوششان بوده است. آن‌ها که از این طریق اولین آگاهی‌های جنسی را به دست آوردند، به تاثیرپذیری از این برنامه‌ها اشاره کردند و آن را دلیلی بر افزایش اشتیاق و برانگیخته شدن میل به برقراری رابطه با جنس مخالف می‌دانستند. علاوه بر ماهواره، دسترسی به فضای مجازی و وجود اطلاعات متنوع در آن، باعث افزایش آگاهی در مشارکت‌کنندگان و ارضای میل به کنجکاوی در آن‌ها شده بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش نادری، غلامزاده جفره و سودانی (۱۳۹۹)، رضازاده و صدری دمیرچی و قمری‌کیوی (۱۳۹۸)، سرزهی، مودی و شریف‌زاده (۱۳۹۵)، مقربیان، هاشمیان‌فر و غلامی (۱۳۹۳) و نوغانی‌دخت بهمنی و محمدی (۱۳۹۵)، مبنی بر اثرگذاری برنامه‌های ماهواره‌ای و فرهنگ‌های خارجی بر میزان گرایش به روابط با جنس مخالف همسو است. یکی از منابع مهم در کسب اطلاعات جنسی، گروه دوستان هستند. براساس یافته‌های این پژوهش، آن‌هایی که در کودکی همبازی پسر داشتند، به دریافت اطلاعات و درک تفاوت‌های جنسیتی و جنسی از این طریق اشاره کردند؛ همچنین، این امر موجب شده تا در سنین بزرگسالی راحت‌تر در بین جمعی از افرادی با جنس مخالف قرار بگیرند و حتی وارد روابطی اعم از روابط اجتماعی، عاطفی، جنسی و یا ترکیبی از این‌ها شوند. همچنین، بسیاری از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که با دوستان خود در مورد روابط و مسائل جنسی صحبت می‌کردند و اولین اطلاعات خود را در رابطه با این مسائل، از این طریق به دست آوردند. نزدیک به ۹۰ درصد از دختران حاضر در این پژوهش، معتقدند که دوستان و محیط دوستی نقش مهمی در گرایش آن‌ها به برقراری رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج داشته است. آن‌هایی که از روابط سرد بین خانواده و عدم حمایت آن‌ها رنج می‌بردند، عنوان کردند که با دیدن روابط دوستان خود با جنس مخالف، تشنه این روابط می‌شدند و با الگو قرار دادن آن‌ها و به منظور ارضای نیاز خود به محبت، چنین روابطی برقرار نمودند؛ در این بین، تعدادی از مصاحبه‌شوندگانی که ساکن خوابگاه و از نزدیک شاهد انواع مختلفی از روابط با جنس مخالف بودند، از آن‌جایی که به دور از خانواده و نگاه آن‌ها بودند، با آسودگی و فراغ بال بیشتری به برقراری رابطه با جنس مخالف رو آوردند. پژوهش ویوانکوس، ابیوبکار، فیلیپس و هانتر (۲۰۱۳) و یزدانی و سهرابی‌شگفتی (۱۳۹۷) با پژوهش حاضر مبتنی بر تاثیر دوستان در افزایش اطلاعات جنسی و ورود به روابط قبل از ازدواج همخوان است. همچنین، پژوهش جانگ، پیک، اسچولتر_مولر و گوث[1](۲۰۱۳) با این یافته همسو است؛ آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که نوجوانان در تعامل با همسالان و همانندسازی با آن‌ها، هویت شخصی خود را شکل می‌دهند. در پژوهش حاضر، علاوه بر رسانه و فضای مجازی و گروه دوستان، مدرسه از دیگر عوامل موثر در تربیت جنسی افراد محسوب می‌شود. تعداد اقلیتی از مشارکت‌کنندگان به دریافت اطلاعاتی بسیار جزئی از طریق محیط آموزشی و مدرسه اشاره کردند. آن‌ها از کم‌کاری معلمان و کادر مدرسه در زمینه ارائه اطلاعات مربوط به بلوغ و مهارت‌های روبه‌رو شدن با آن صحبت نمودند و تنها، مدرسه را محیطی می‌دانستند که بستری فراهم می‌کرد تا با دوستان و همسالان در ارتباط باشند و به این صورت به اطلاعات دریافت شده از دوستان اکتفاء کنند. این بخش از یافته‌ها با نتایج پژوهش اسلامیان، سعیدی رضوانی، غفاری و اسلامیان(۱۳۹۴)، گریس گروس، گریب و کافلد (۲۰۱۴)، مبردی، حسن‌پور ازغدی و امیری فراهانی (۱۳۹۶) و یاری و ابراهیمی (۱۳۹۵)، مبنی بر عدم ارائه آموزش و تربیت جنسی به دانش‌آموزان در سیستم آموزشی کشور همسو است.

در رابطه با تبیین یافته‌های مرتبط با منابع اطلاعاتی اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تربیت جنسی، می‌توان به نظریه یادگیری اجتماعی[2] اشاره کرد. براساس این دیدگاه که توسط بندورا[3] (۱۹۷۷) به منظور تبیین چگونگی یادگیری رفتارهای سازنده و غیرسازنده ارائه شد، یکی از شیوه‌های یادگیری و درونی‌سازی رفتارها و قواعد جنسیتی، الگوگیری است. در طی این فرایند، رفتارهای والدین و دیگر عوامل

1.Jung, Schlüter-Müller, Schmeck & Goth
2. Social learning theory
3. Bandura

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

جامعه الگوسازی می‌شوند و کودک از طریق درونی کردن این رفتارهای جنسیتی، به هویت و نقش‌پذیری متناسب با جنسیت خود دست می‌یابد (یزدانی و سهرابی‌شگفتی، ۱۳۹۷). شکی نیست که انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند و بدون ارتباط با دیگران زندگی معنایی ندارد. همین محیط و عوامل اجتماعی در رشد و خودسازی افراد نقش پر رنگی دارد؛ به خصوص زمانی که رابطه با خانواده هسته‌ای مخدوش باشد، نقش این عوامل پر رنگ‌تر خواهد شد. براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه تبیین کرد که مشاهده فرهنگ‌های خارجی از طریق رسانه‌های جمعی، آگاهی افراد را از مسائل جنسی بالا می‌برد و موجب ریختن تدریجی قبح آن خواهد شد و افراد برای برقراری ارتباط با جنس مخالف و کسب این تجربه به میزان بیشتری ترغیب و علاقه‌مند می‌شوند. به علاوه، ارتباط با دوستان، به ویژه در دوران نوجوانی و همزمان با بلوغ از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است. اهمیت این مسئله زمانی که فرد ارتباط نامناسبی با خانواده دارد، بیشتر مشخص می‌شود؛ به گونه‌ای که به میزان فاصله‌گیری از آن‌ها، به دوستان نزدیک می‌شود. از آن‌جا که کنجکاوی‌های جنسی و برقراری رابطه با جنس مخالف در این مرحله از زندگی نمایان است، دوستان با به اشتراک گذاشتن اطلاعات خود و تجارب با جنس مخالف، باعث ترغیب یکدیگر به برقراری روابط با جنس مخالف خواهند شد و چه بسا روابطی خارج از چهارچوب برقرار نمایند.

در مجموع و با توجه به آن‌چه ذکر گردید، می‌توان از این پژوهش این‌گونه نتیجه گرفت که عدم تربیت جنسی مناسب، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، افراد را به سمت برقراری رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج سوق می‌دهد. همچنین، خانواده و اجتماع به شیوه‌های گوناگونی در تربیت جنسی افراد، که از بدو تولد شروع می‌شود و تا آخر عمر ادامه دارد، نقش موثری دارند اما متاسفانه میزان توجه به این بعد تربیتی، به ویژه در کشور ما پایین است. به همین دلیل و با توجه به داده‌های حاصل از بررسی تربیت جنسی دختران و پی بردن به سبک‌ها و الگوهای تعاملی موجود در خانواده‌ها و عدم مقبولیت عملکرد آن‌ها، همچنین ضعف سیستم آموزشی و رسانه‌ها در اهمیت قائل شدن برای ارائه تربیت جنسی مناسب و کافی و در نتیجه تاثیرات منفی آن در میزان گرایش به روابط قبل از ازدواج جوانان، پیشنهاد می‌شود در مراکزی چون مهدکودک، مدارس و سرای محله‌ها جلساتی مبتنی بر ارائه تربیت جنسی به والدین و مربیان آموزشی صورت گیرد و شیوه‌های آموزشی مناسب و ارتقاء دهنده‌ای را به خانواده‌ها و به ویژه والدین، همچنین مدارس و معلمان آموزشی اعمال گردد. همچنین، از آنجا که شاهد شمار روزافزون شیوع روابط قبل ازدواج در بین جوانان هستیم، توصیه می‌شود که دانشگاه‌ها، خانواده‌ها، مسئولین و برنامه‌ریزان فرهنگی این مسائل را مورد توجه قرار دهند و از برنامه‌های پیشگیرانه در این راستا استفاده نمایند. بدین منظور، مداخله‌ی مستقیم و ارتباط‌گیری با خود نوجوانان به صورت جلسات گروهی و هفتگی توصیه می‌شود.

این پژوهش با محدودیت‌هایی رو به رو بود؛ از آن‌جا که نمونه‌ها متمرکز بر دختران بود و در دانشگاه‌های شهر تهران صورت گرفت، تعمیم آن به سایر شهرها و همچنین، پسران ممکن نیست؛ همچنین، به دلیل حساس بودن عنوان پژوهش حاضر و از آن‌جا که نیاز بود تا مشارکت‌کنندگان تجارب خود را عنوان کنند، زمان زیادی برای برقراری امنیت و ارتباط صرف شد. از آن‌جا که پژوهش حاضر به روش پدیدارشناسی و بررسی تجربه زیسته دانشجویان انجام شد، پیشنهاد می‌شود به منظور تعیین الگو و کاربردی‌تر کردن یافته‌ها، پژوهشی مبتنی بر روش گرندد تئوری صورت بگیرد و عوامل و پیامدهای گوناگون این مفاهیم با جزییات و دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرند. همچنین، با توجه به مهم بودن چگونگی ارتباط در بین اعضای خانواده در کیفیت و نحوه تربیت جنسی افراد، پیشنهاد می‌شود پژوهشی خاص در زمینه‌ی نقش ارتباط در خانواده بر چگونگی تربیت جنسی فرزندان انجام گیرد.

منابع

اسلامیان، زهرا؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ غفاری، ابوالفضل؛ اسلامیان، حسن. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل ابعاد مختلف تربیت جنسی و مسائل اساسی مرتبط با آن. *همایش خانواده و تربیت جنسی*، ۳۲۴-۳۰۳. https://civilica.com/doc/374762

برزگر خضری، رسول؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا. (۱۳۹۶). رابطه خودکنترلی و جهت‌گیری مذهبی با نگرش به روابط قبل از ازدواج در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط کریم. مجله پژوهش در دین و سلامت، ۳(۴)، ۵-۱۸. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=345354

تربتی، سروناز؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه؛ خسروی، نیکا. (۱۳۹۸). مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تاکید بر روابط میان‌فردی با والدین. مطالعه موردی: دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران. *مجله مطالعات روانشناسی*، ۱۲(۴۵)، ۷۷-۱۰۴. https://dx.doi.org/10.30495/jss.2020.671678

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

سبحانی‌نژاد، مهدی؛ همایی، رضا؛ علیین، حمید (۱۳۸۶). بررسی تحلیل سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران. *تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره، ۶* (۲۱)، ۴۸-۲۷. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=66321

سرزهی، نرگس؛ مودی، میترا؛ شریف‌زاده، غلامرضا. (۱۳۹۵). کاربرد مدل رفتار برنامه‌ریزی شده در پیش‌بینی عوامل موثر بر رابطه با جنس مخالف در دختران نوجوان شهر بیرجند، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۲۳(۴)، ۳۲۵-۳۳۳. http://journal.bums.ac.ir/article-1-2029-fa.html

جهان‌شیلا، شرمین؛ سجادی، مرضیه سادات. (۱۳۹۹). بررسی روابط دختر و پسر و تاثیرات آن. *پژووهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، ۳(۱۵)، ۴۱-۵۹. http://journals.miu.ac.ir/article_5223.html

حبیبی، سمیرا؛ گوهری‌مقدم، مریم. (۱۳۹۶). پیشگیری از کودک‌آزاری و درمان آن. *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳ (۲)، ۹۵_۱۰۵. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1260849

حیدری، سارا؛ جزایری، لیلا؛ خدادادی، قاسم. (۱۳۹۷). بررسی نقش خانواده و مربیان در تربیت جنسی فرزندان. *سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت های فرهنگی و اجتماعی جامعه*. https://civilica.com/doc/767264/

خلج‌آبادی‌فراهانی، فریده (۱۳۹۵). فراتحلیل روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته در ایران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۲ (۴۷)، ۳۶۷_۳۳۹. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97397.html

خلج‌آبادی فراهانی، فریده؛ مهریار، امیرهوشنگ. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در شهر تهران. *خانواده پژوهی*، ۶ (۲۴)، ۴۶۸-۴۴۹. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=125412

طهماسب‌زاده شیخلار، داود؛ عظیم‌پور، احسان؛ ایمان‌زاده، علی؛ عباس‌زاده، محمد. (۱۴۰۰). مطالعه فرایند تربیت جنسی نوجوانان ایرانی: نظریه داده بنیاد. *مجله علمی پژوهشی "پژوهش‌های برنامه درسی" انجمن مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۲۶-۱۵۳. https://dx.doi.org/10.22099/jcr.2021.6459

قدرتی، حسین و حسنی، رضا. (۱۳۹۴). بازسازی معنایی تجربه فرایند منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی. *علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*، ۱۲(۲)، ۱۶۹-۱۹۵. https://dx.doi.org/10.22067/jss.v12i2.33870

مبردی، کتایون؛ حسن‌پور ازغدی، سیده بتول؛ امیری فراهانی، لیلا. (۱۳۹۶). آگاهی و نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی کودکان پیش دبستانی. *مرکز تحقیقات مراقبتهای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران(نشریه پرستاری ایران)*، ۳۰ (۱۶۰)، ۳۵-۴۵. http://dx.doi.org/10.29252/ijn.30.106.35

مجد پور، معصومه؛ پرهیزکار، سعادت؛ موسوی زاده، علی؛ شمس، محسن. (۱۳۹۶). دیدگاه‌ها و نظرات مادران درباره آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان خود:یک مطالعه کیفی. *طلوع بهداشت*، ۱۶ (۳۰)، ۹۳-۱۰۵ https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=295884

مزیدی، محمد؛ خدمتیان، محمد. (۱۳۹۷). ارائه الگوی تربیت جنسی با تکیه بر دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان. *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۱۲ (۲۵)، ۱۶۱_۱۸۳. https://dx.doi.org/10.30471/edu.2017.1350

مقربیان، مریم؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ غلامی، محبوبه. (۱۳۹۳). تجددگرایی و روابط پیش از ازدواج؛ پژوهشی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران در سال ۹۰. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری*. https://civilica.com/doc/331370/

نادری، نگین؛ غلامزاده، جعفر؛ سودانی، منصور. (۱۳۹۹). تجربه زیسته مادران از تربیت جنسی کودکان پیش از دبستان. *نشریه علمی فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۶ (۵۴)، ۱۱۳-۱۳۴. https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1400.16.54.6.0

رضازاده، مسعود؛ صدری دمیرچی، اسماعیل؛ قمری‌کیوی، حسین. (۱۳۹۸). اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش درباره ازدواج، تاب‌آوری و انتظار از ازدواج. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۹ (۱)، ۱۰۹-۱۲۴. https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1398.9.1.7.1

نوغانی‌دخت‌بهمنی، محسن؛ محمدی، فردین. (۱۳۹۵). گرایش به ارتباط با جنس مخالف؛ مطالعه‌ای درباب نوجوانان پسر مشهدی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۷ (۱۱)، ۱۸۴-۱۶۳. http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.jspi.7.1.163

یاری، مراد؛ ابراهیمی، فاطمه. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان. *دوفصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۴ (۷)، ۹۵_۱۱۴. https://dx.doi.org/10.30497/edus.2016.61449

یاریاری، فریدون؛ کشاورزی، فاطمه؛ رسولی، علی. (۱۳۹۴). نقش باورهای فراشناختی و نگرش به روابط قبل از ازدواج در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان. *پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۹ (۲)، ۲۵-۳۳. http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.rph.9.2.25

یزدانی، سمیه؛ سهرابی‌شگفتی، نادره. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال شهر شیراز. *مشاوره کاربردی*، ۸ (۲)، ۱۰۸-۹۸. https://dx.doi.org/10.22055/jac.2019.27863.1643

Das, A (2007). Masturbation in the united states. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 33(4), 301-3017. https://doi.org/10.1080/00926230701385514

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

Dyar, C., Feinstein, B. A., & London, B (2014). Dimensions of sexual identity & minority stress among bisexual women: The role of partner gender. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, 1(4), 441_451. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/sgd0000063

Fleming, C. B., White, H. R., & Catalano, R. F. (2010). Romantic relationships & substance use in early adulthood: An examination of the influences of relationship type, partner substance use, & relationship quality. *Journal of Health Social Behavior, 51*(2), 153_167. https://dx.doi.org/10.1177%2F0022146510368930

Ganji, J., Emamian, Emamian, M. H., Maasoumi, R., Keramat, A., & Merghati Khoei, E. (2017). The existing approaches to sexuality education targeting children: A review article. *Iran Journal Public Health,* 46(7), 890_898. https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/28845399

Grace Grose, R., Grabe, Sh., & kohfeldt, D. (2014). Sexual education, gender ideology, and youth sexual empowerment. *The Journal of Sex Research,* 51(7), 742-753. doi: 10.1080/00224499.2013.809511

Ismail, S., Shajahan, A., Rao, T. S., & Wylie, K. (2015). Adolescent sex education in India: Current perspectives. *Indian Journal of Psychiatry*, 57(4), 333_337. doi: 10.4103/0019-5545.171843

Jung, E., Pick, O., Schlüter-Müller, S., Schmeck, K., & Goth, K. (2013). Identity development in adolescents with mental problems. *Child and Adolescent Psychiatry & Mental Health, 7*(26), 1-8. doi: 10.1186/1753-2000-7-26

Lindberg, L. D. & Maddow-Zimet, I. (2012). Consequences of sex education on teen and young adult sexual behaviors and outcomes. *Journal of Adolescent Health,* 51(4), 332- 338. doi: 10.1016/j.jadohealth.2011.12.028

Moon, S. S., & Rao, U. (2010). Youth-family, youth school relationship, and depression. *Child & Adolescent Social Work Journal,* 27(2), 115_131. https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10560-010-0194-9

Perelli-Harris, B., Amos, M. (2015). Changes in partnership patterns across the life course: an examination of 14 countries in Europe & the United States. *Journal of Demographic Research*, 33(6), 145_178. http://dx.doi.org/10.4054/DemRes.2015.33.6

Reis, M., Ramiro, L., de Matos, M. G., & Diniz, J. A. (2011). The effects of sex education in promoting sexual and reproductive health in Portuguese university students. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 29, 477-485. doi:10.1016/j.sbspro.2011.11.266

Robinson, K. H., Smith, E., & Davies, C. (2017). Responsibilities, tensions and ways forward: parents' perspectives on children's sexuality education. *Sex Education*, 17(3), 333_347. https://doi.org/10.1080/14681811.2017.1301904

Vivancos, R., Abubakar, I., Phillips-Howard, I., & Hunter, P. R. (2013). School-based sex education is associated with reduced risky sexual behavior and sexually transmitted infection in young adults. *Public Health,* 127(1), 53-57. https://doi.org/10.1016/j.puhe.2012.09.016

World Health Organization. (2014). Maternal, newborn, child, and adolescent. Health-Adolescent. Available from:http://www.who.int/maternal_child_adolescent/topics/adolescenence/en/ [cited 30 Dec 2015]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.6.10.7]